

**رابطه حاکمیت شرکتی و بحران مالی
مؤسسات واسطه گر مالی**

احمد بهشتی لنگرودی

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و بحران مالی در مؤسسات واسطه‌گر مالی مانند بانک‌ها و شرکت‌های بیمه است. در این راستا، رابطه برخی از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی با امکان بروز بحران مالی براساس شاخص آلتمن در ۲۹ مؤسسه واسطه‌گر مالی (شامل ۲۰ شرکت بیمه و ۹ بانک پذیرفته شده در شرکت بورس اوراق بهادار تهران) طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفته است.

در این تحقیق مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی شامل نسبت اعضای موظف هیئت مدیره، وجود کمیته‌های ریسک و حسابرسی و حضور سهامداران نهادی و همچنین درصد میزان مالکیت دولتی به‌عنوان متغیرهای مستقل و بحران مالی در مؤسسات مورد بررسی، که از طریق شاخص آلتمن و براساس نسبت‌های مالی مربوط به این مؤسسات اندازه‌گیری شده به‌عنوان متغیر وابسته معرفی شده‌اند.

همچنین از میزان سود ویژه و دارایی‌های مؤسسات واسطه‌گر مالی مورد بررسی در پایان هر دوره مالی، به‌عنوان متغیرهای کنترلی در الگوی تحقیق استفاده و برای آزمون فرضیه‌ها نیز الگوهای رگرسیون ساده و رگرسیون چند متغیره به کار گرفته شده‌اند.

یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد که در مؤسسات واسطه‌گر مالی مورد بررسی، ارتباط معناداری بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره با بحران مالی وجود نداشته است. لیکن ارتباط وارونه بین وجود کمیته‌های ریسک و حسابرسی و همچنین حضور سهامداران نهادی با امکان بروز بحران مالی تأیید شده است. همچنین براساس یافته‌های تحقیق، ارتباط مستقیم بین درصد مالکیت دولتی در مؤسسات مورد بررسی و امکان بروز بحران مالی با توجه به تعریف عملیاتی انجام شده در پژوهش در این باره تأیید شده است.

کلمات کلیدی: حاکمیت شرکتی، کمیته ریسک، کمیته حسابرسی، بحران مالی، سهامداران نهادی، شاخص آلتمن، درصد مالکیت دولتی، مدیریت ریسک.

مقدمه

در بحران اقتصادی اخیر، مؤسسات واسطه‌گر مالی و از جمله مهم‌ترین آن‌ها بانک‌ها، همانند سایر شرکت‌های بزرگ تولیدی و خدماتی در کانون بحران قرار داشته‌اند. به‌طوری که این موضوع موجب ورشکستگی تعداد زیادی از بانک‌های جهان شده است. این مؤسسات به‌دلیل حضور در فعالیت‌های اقتصادی و به واسطه نوع فعالیت خود در معرض انواع ریسک‌ها از جمله ریسک عملیاتی، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک همخوانی نداشتن سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی و سایر ریسک‌ها قرار دارند.

نبود سبب مناسب دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی از نظر حجم، سررسید، نرخ بهره به‌همراه افزایش هزینه‌های داخلی و عملیاتی و کاهش سود نقدی و نبود نظام مناسب برای کنترل ریسک و همچنین ناکارایی مؤثر مدیران و نیز سهم کم سرمایه بانک‌ها نسبت به حجم بدهی‌ها، جملگی خطرات بالقوه و بالفعل برای هدایت بانک‌ها به سمت بحران محسوب شده و بدیهی است؛ خطرات موصوف می‌بایست با استفاده از ابزارهای نوین مدیریتی و براساس ساختار و سازوکار مناسبی مهار و کنترل شوند. یکی از ابزارهای معرفی شده در این باره براساس تجارب بین‌المللی استفاده از سازوکارهای حاکمیت شرکتی است.

در حاکمیت شرکتی به موضوعاتی نظیر نقش سهامداران و روابط آن‌ها و کنترل مناسب شرکت‌ها، مسئولیت پاسخگویی هیئت مدیره، بهبود عملکرد و اثربخشی هیئت مدیره، نقش کمیته‌های تخصصی مانند کمیته حسابرسی، ریسک، تطبیق، کمیته تعیین دستمزد و پاداش، نقش حسابرسان و نظام حسابداری و کنترل‌های داخلی، استقلال هیئت مدیره، وجود توازن قوای مطلوب در سطح هیئت مدیره و استفاده از اعضای غیرموظف و حفظ منافع تمامی ذی‌نفعان تأکید ویژه‌ای شده است. استفاده از مؤلفه‌های موصوف موجب ایجاد ثبات و امنیت در بانک‌ها و مؤسسات واسطه‌گر مالی دیگر مانند شرکت‌های بیمه و در نتیجه اقتصاد جامعه می‌شود. ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند برای هدایت و کنترل مؤسسات واسطه‌گر مالی، به‌نحوی که بتواند حافظ منافع تمام ذی‌نفعان شود باعث کاهش هزینه‌ها و ریسک شده و منافع ایشان را حفظ خواهد کرد. این شرایط موجب می‌شود بانک‌ها در شرایط بحرانی عملکرد و واکنش مناسب‌تری برای عبور از وضعیت نامطلوب را داشته و از شرایط خطر و ورشکستگی تا اندازه چشمگیری مصون بمانند (بلتراتی، ۲۰۰۹). با توجه به چالش‌های حقوقی و اقتصادی که بحران‌زدگی نظام بانکی با خود به ارمغان می‌آورد و موجب از هم پاشیدگی و شتاب و خامت

اقتصادی از جامعه‌ای به جامعه دیگر می‌شود، ضرورت دارد که عوامل عمده و مؤثر در توقف این مؤسسات شناسایی شده تا با کنترل آن‌ها از طریق سیاست‌های بهینه، امکان حفاظت از حقوق ذی‌نفعان (اعم از سپرده‌گذاران، سهامداران، اشخاص طرف قرارداد و غیره) مهیا و آرامش اقتصادی جامعه فراهم شود.

بحران مالی ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ شرق آسیا که بازارهای مالی و اقتصادی کشورهای عمده آسیایی را در بر گرفت، تنها به‌خاطر مدیریت نادرست اقتصاد کلان یا ضعف ساختارهای اقتصادی و یا شوک‌های شدید اقتصادی نبود، بلکه به عقیده بسیاری از تحلیل‌گران، عامل اصلی این بحران متأثر از ضعف حاکمیت شرکتی در میان بانک‌ها، مؤسسات پولی و مالی و شرکت‌ها بود.

حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌ها و از جمله بانک‌ها، مهم‌ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می‌شود. مطالعات صورت گرفته از کشورهای یاد شده نشان می‌دهد که با ضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به‌دنبال آن سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل، مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. با توجه به خطراتی که توقف و ورشکستگی بانک‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین مؤسسات واسطه‌گر مالی برای اقتصاد کشور ایجاد می‌کند و به تعبیری آثار آن از جنگ مخرب‌تر و یک فاجعه برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود. یکی از انگیزه‌های اصلی محقق، مطالعه عوامل مؤثر در بروز بحران و همچنین ورشکستگی بانک‌ها و تبیین روش‌هایی برای جلوگیری از بروز عوامل موصوف است.

۱- ادبیات موضوع

عواملی مانند اختلاس و سوءاستفاده‌های مالی عمده و درخور توجه، افزایش سرمایه‌گذاری‌های بدون بازده، تسهیلات اعطایی بدون پشتوانه مناسب و همچنین بدون استفاده از روش‌های اعتبارسنجی و عدم مدیریت و منظور کردن ریسک‌های محیطی موجود در نظام مالی بانک، مانند ریسک عملیاتی، ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ریسک تمرکز، ریسک قانونی، ریسک نرخ بهره و ... می‌تواند بانک‌ها را به‌سمت بحران مالی و ورشکستگی سوق دهد. برای بانک‌ها که معمولاً از اهرم مالی بسیار بالایی برخوردارند و به‌طور متوسط بیش از ۹۰ درصد از دارایی‌های ایشان از طریق سپرده‌ها و سایر بدهی‌ها تأمین می‌شود، موضوع کافی نبودن وجوه برای پیشبرد عملیات مؤسسه از اهمیت دوچندانی برخوردار است و در صورت ناتوانی در خصوص تأمین وجوه مورد نیاز سپرده‌گذاران با فشار و صف ناگهانی متقاضیان برای خروج منابع خود از بانک روبه‌رو خواهند شد. این موضوع در مدت کوتاهی بانک را با بحران ورشکستگی روبه‌رو خواهد کرد.

ورشکستگی معمولاً دارای چهار مرحله: دوره نهفتگی، دوره کسری وجوه نقد، نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری و نبود قدرت پرداخت دیون کامل و مرحله ورشکستگی همراه است (نیوتن، ۱۹۹۸). عدم مدیریت درست و ناکارآمد پرتفوی دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی بانک از نظر نوع تسهیلات و سپرده‌ها و زمان‌بندی آن‌ها می‌تواند اسباب بروز ریسک همخوانی نداشتن سررسیدها را فراهم می‌کند و خطر ریسک نقدینگی را افزایش دهد. در شرایط ریسک نقدینگی بانک‌ها به‌منظور امکان پاسخگویی سریع به مراجعه‌کنندگان برای جلوگیری از بروز بحران مجبور به تأمین مالی با شرایط بسیار اسفبار و با نرخ بهره بالا می‌شوند، که بحران مالی موجود را دوچندان کرده و یا مجبور به فروش دارایی‌ها با قیمت بسیار پایین‌تر از قیمت معمول خواهند شد. این مسئله هم زیانی مضاعف برای بانک‌ها پدید خواهد آورد.

همچنین ورود در حوزه‌های غیرتخصصی و غیرمرتبط با فعالیت بانک‌ها موجب بروز زیان برای بانک‌ها خواهد شد و نادیده گرفتن ریسک تمرکز در پرداخت تسهیلات در یک صنعت خاص، منطقه جغرافیایی خاص و یا یک وثیقه خاص و همچنین ریسک تمرکز بر منابع خاص و یا کارکنان ویژه، در صورت خروج منابع یا کارکنان، بانک را با مشکلات و بحران‌های جدی روبه‌رو می‌کند. مشکلات و در برخی موارد ورشکستگی‌های اخیر بانکی در غرب (آمریکا و اروپا) ریشه در نادیده گرفتن عوامل یاد شده (به‌صورت عام یا خاص) دارد. کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، سود و وضعیت نقدینگی، کیفیت مدیریت، وضعیت مطلوب نظام کنترل‌های داخلی، از جمله برجسته‌ترین عوامل قابل اعتنا در زمینه قدرت یک بانک درباره اداره بحران محسوب می‌شوند. به‌طور کلی اوضاع بی‌ثبات محیط و توهّمات و تصورات سپرده‌گذاران در خصوص وضعیت بحرانی بانک، بی‌ثباتی و تغییرات مداوم در نرخ بهره، همخوانی نداشتن قوانین حاکم بر قرارداد بانک‌ها با اشخاص طرف قرارداد (معمولاً سپرده‌گذاران و سهامداران) با شرایط حاکم در بازار و تجارت آزاد و مشکل معمول در کشورهای در حال توسعه درباره روند افزایشی نرخ تورم که بیشتر از بهره و سود دریافتی سپرده‌گذاران، موجب می‌گردد تمایلات زیادی از سوی سپرده‌گذاران در خصوص خروج سریع منابع خود از بانک‌ها می‌شود. از دیگر دلایل بحران بانکی می‌توان به عدم نظارت و ضعف مقررات، ضعف کنترل‌های داخلی، ریسک عملیاتی بالا، ناتوانی در پرداخت دیون ناشی از ضعف در مدیریت نقدینگی، سرمایه‌گذاری ضعیف و توجیه نشده و به‌کارگیری معیارهای ضعیف حسابرسی و سوء مدیریت اشاره کرد.

بانک‌ها در فرآیند رقابت ممکن است ریسک اعتباری بالا را برای حفظ یا گسترش سهم بازار بپذیرند. در این صورت سرنوشت خود را با سرنوشت پروژه‌ها و وضعیت وام‌گیرنده گره زده

و در صورت عدم موفقیت سرمایه‌گذاری‌ها، با کمبود نقدینگی و شکست روبه‌رو می‌شوند. ورشکستگی به‌عنوان مرحله‌ای از چرخه فعالیت تجاری، برای هر تاجری از جمله بانک‌ها تحت تأثیر عوامل خارجی و یا داخلی می‌تواند اتفاق افتد. لیکن افزایش میزان دارایی‌های سمی (تسهیلات بدو معوق) از دلایل اصلی افزایش ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک عدم تطابق سررسیدهاست که بانک‌ها را با خطر ورشکستگی و توقف روبه‌رو می‌کند. نبود نظام کنترل ریسک برای تشخیص به‌هنگام مشکلات ناشی از کمبود نقدینگی، کمبود سود و افزایش مطالبات از دلایل اصلی شکست بانک‌ها ارزیابی شده‌اند.

در بحران مالی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، از دلایل ایجاد بحران در شبکه بانکی کشور اندونزی، میزان زیاد وام‌های در حال نکول (حدود ۵۷ درصد از کل وام‌های اعطایی)، حاشیه سود منفی و نظام بانکی ضعیف و کوچک بوده است.

در بسیاری از بانک‌های بحران‌زده، ریشه اصلی بحران در افزایش وام‌دهی بی‌رویه پیش از بحران تعریف شده است. حداقل در ۳۰ درصد از بانک‌های بحران‌زده این موضوع دلیل اصلی بحران بوده است. براساس برخی از تحقیقات انجام شده، میزان وام‌های غیرقابل بازگشت در بعضی از بحران‌ها تا ۷۵ درصد مجموع وام‌های بانکی نیز رسیده است، لیکن در تحقیقی که توسط لیون و والنسیا در سال ۲۰۰۸ انجام شده، متوسط وام‌های بدون بازگشت نسبت به کل وام‌ها در بانک‌های بحران‌زده ۲۵ درصد اعلام شده است.

مطالعات مربوط به بحران‌ها و ورشکستگی‌های اخیر نشان می‌دهد که اگر شرکت‌ها نظام‌های مناسب کنترلی درباره مدیریت ریسک، استفاده از سامانه حسابرسی داخلی و تطبیق با مقررات و قوانین برای افزایش شفافیت صورت‌های مالی و گسترش فرهنگ پاسخگویی در بانک را به‌طور دقیق رعایت می‌کردند، می‌توانستند با شرایط بهتر و مطلوب‌تری در بحران خود را پیش برده و از خطرات احتمالی بحران و یا ورشکستگی مصون بمانند. نظام حاکمیت شرکتی فرآیندی است که می‌تواند تا حدود زیادی پاسخگوی نیازهای مدیران مؤسسات واسطه‌گر مالی از جمله بانک‌ها و ذی‌نفعان آن‌ها در مورد جلوگیری و یا کنترل بحران بوده و آن‌ها را در شرایط بحرانی یاری کند. تعریف سازمان توسعه همکاری‌های^۱ اقتصادی (۲۰۰۴) از حاکمیت شرکتی عبارت است از: "ساختار روابط و مسئولیت‌ها در میان گروه‌های اصلی شامل سهامداران، اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل برای ترویج بهتر عملکرد رقابتی لازم به‌منظور دستیابی به اهداف شرکت است تا

^۱ OECD: Organization for Economic Cooperation and Development.

منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع تأمین شود و به موجب آن شرکت به استفاده کارا و اثربخش از منابع تشویق شود."۱

بین حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک ارتباط نزدیکی وجود دارد که می‌تواند به سادگی قابل درک باشد. با تدوین استانداردهای مناسب و قوی برای حاکمیت شرکتی می‌توان فرآیند مدیریت ریسک را بهبود و با یکپارچه کردن مدیریت ریسک و نظام‌های داخلی به تدوین استانداردهای قوی حاکمیت شرکتی اطمینان بخشید.

ترکیب هیئت مدیره بر سیاست‌ها و اهداف مدیریت ریسک تأثیرگذار است. هر چه تعداد مدیران غیرموظف هیئت مدیره بیشتر باشد، امکان تعداد فعالیت‌های مقابله علیه ریسک شرکت بیشتر خواهد بود. از این رو ارجح است که کمیته حسابرسی به بحث، بررسی و ارزیابی ریسک شرکت بپردازد. اندازه کمیته حسابرسی و استقلال اعضای آن (که هیچ‌گونه اختیار خرید سهام شرکت را ندارند) منافی برای سهامداران در بردارد.

برای تحقق مدیریت اثربخش ریسک، باید پنج مرحله به‌نحو مطلوب به اجرا درآید: ۱- تشخیص منابع ریسک، ۲- اندازه‌گیری میزان ریسک، ۳- ارزیابی میزان تأثیر ریسک مربوطه بر شرکت، ۴- ارزیابی توانایی شرکت در استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک ۵- انتخاب ابزارهای مناسب مدیریت ریسک.

ارتقای سطح نظام‌های کنترل داخلی شرکت‌ها از جمله بانک‌ها و سایر مؤسسات واسطه‌گر مالی از طریق استفاده از ابزارهای حاکمیت شرکتی، متناسب با آخرین دستاوردهای ارائه شده از سوی محافل تخصصی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد مدیران، امکان نظارت بهینه سهامداران و سایر ذی‌نفعان داشته باشد. در مجموع شرایط مساعدتری را برای شرکت‌های اقتصادی برای ادامه فعالیت و جلوگیری از بحران فراهم کند. زیرا همان‌گونه که در ادبیات مربوط به اهداف حاکمیت شرکتی از سوی صاحب‌نظران عنوان شده، هدف حاکمیت شرکتی خوب؛ دستیابی به پایداری، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، عدالت، شفافیت و اثربخشی در تمام قسمت‌های یک شرکت یا سازمان است (عقیلی کرمانی، ۱۳۹۰).

براساس معیارهای مبتنی بر حاکمیت شرکتی مناسب بانک‌ها و سایر مؤسسات واسطه‌گر مالی، می‌بایست به‌دنبال ساختار سازمانی مناسبی بوده تا تضمین شود که اگر ضوابط و مقررات در این ساختار رعایت شود، می‌توان ریسک را به حداقل رساند.

در نظام حاکمیت شرکتی مناسب تأکید ویژه‌ای در استقرار نظام حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی و کمیته تطبیق شده و رابطه بین مدیران و حسابرسان مستقل از طریق کمیته

حسابرسی شکل می‌گیرد. با استقرار نظام حاکمیت شرکتی و از طریق تشکیل کمیته‌های تخصصی حسابرسی و کمیته عالی ریسک، زیر نظر هیئت مدیره و عملکرد این کمیته‌ها، کنترل‌های داخلی در سطح سازمان تا حدود درخور توجهی ارتقا می‌یابد.

کنترل‌های داخلی مجموعه خط‌مشی‌ها، رویه‌ها و روش‌هایی است که توسط هیئت مدیره و مدیران ارشد و کارکنان در یک سازمان، به منظور دستیابی به اهداف سه گانه زیر مستقر می‌شود:

اول- قابلیت اعتماد گزارشگری مالی

دوم- افزایش اثر بخشی و کارآیی

سوم- رعایت قوانین و مقررات ناگزیر

اهداف اصلی در نظام مؤثر کنترل‌های داخلی در مؤسسات اعتباری و سایر مؤسسات واسطه‌گر مالی شامل مواردی مانند دستیابی به اهداف مؤسسه اعتباری، حصول اطمینان از اثربخشی و کارآیی عملیات، مدیریت کارآمد ریسک‌های محیطی، حصول اطمینان از عملکرد مناسب نظام گزارشگری مالی و مدیریت و ارتقای شفافیت آن، حصول اطمینان از پایبند بودن تمام واحدها و کارکنان مؤسسه به رعایت قوانین و مقررات مربوطه، راهبردها و برنامه و ضوابط داخلی و سرانجام محافظت از منابع و دارایی‌های مؤسسه در برابر هرگونه سوءاستفاده و خسارت و زیان و اختلاس است.

در صورت استقرار درست نظام کنترل‌های داخلی موارد زیر در بانک‌ها و سایر مؤسسات واسطه‌گر مالی محقق می‌شود:

- بهبود نظارت و پاسخگویی مناسب مدیریت و کمک به گسترش فرهنگ نظارت و کنترل

- کمک به فرآیند تصمیم‌گیری و اداره مؤثر مؤسسه

- بهبود مدیریت ریسک‌های موجود در فعالیت‌های مؤسسه

- رعایت فرآیند اخذ مجوزها و مصوبات، رفع مغایرت‌ها و بازبینی عملکرد عملیاتی

- بهبود اقدامات کنترلی برای پیشگیری، شناسایی و اصلاح به‌موقع نارسایی‌ها، از جمله اشتباهات، تخلفات و سوءاستفاده‌ها.

- کنترل ریسک‌های موجود در محیط بانکی مانند ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی در مواردی نظیر وقفه‌های عملیاتی، بروز جرایم و ریسک محصولات و عملکرد کاری کارکنان، کنترل ریسک بازار، ریسک قانونی و ...

کنترل‌های داخلی در واقع روشی است که ریسک را مدیریت می‌کند و در عمل پاسخی به

ریسک‌های موجود در محیط مؤسسه است.

قانون ساربنز-اکسلی که پس از ورشکستگی شرکت‌های بزرگ، به دلیل تخلفات مالی در اوایل سال ۲۰۰۲ به تصویب رسیده به منظور حفاظت از منافع ذی‌نفعان، با تأکید شرکت‌های بورسی را به استفاده از نظام حسابداری و حسابرسی قوی و همچنین شفافیت اطلاعات مالی ترغیب کرده است. در نتیجه تقاضا برای حسابرسان داخلی به منظور ارتقای محیط کنترلی افزایش یافته است و بدیهی است این شفافیت نقش بارزی را در کنترل ریسک‌های محیطی ایفا خواهد کرد. مدیریت ریسک بانک را می‌توان به طور خلاصه به عنوان فرآیندی پیوسته و سازمان یافته در کل بانک برای تعیین، ارزیابی، تصمیم‌گیری در زمینه پاسخگویی و گزارشگری درباره فرصت‌ها و خطراتی تعریف کرد که دستیابی به اهداف را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ابزار دیگری که می‌تواند در بحث حاکمیت شرکتی مورد استفاده قرار گیرد، بحث حسابرسی اعم از داخلی و رسمی (مستقل) است. باید گفت، پیچیدگی فزاینده‌ای که در صنعت بانکداری به وجود آمده و همچنین، بحران‌هایی که نظام تأمین مالی بین‌المللی شاهد بوده، منجر به آن شده است که نقش حسابرسان بسیار حیاتی تلقی شود. این بحث در تمامی نظام‌های مالی، درست است. حسابرسی داخلی نیز کنترل‌های داخلی کارا و اثربخشی را تسهیل کرده است و از دارایی مؤسسات مالی در مقابل انواع ریسک‌ها و سوءاستفاده‌ها حفاظت می‌کند.

در حاکمیت شرکتی مناسب در محیط بانکی، معمولاً برای ارتقای نظام حسابرسی در فضای بانک، هیئت مدیره بانک مبادرت به تشکیل کمیته حسابرسی می‌کند.

کمیته حسابرسی، کمیته‌ای تخصصی است که از سوی هیئت مدیره شرکت و به منظور یاری رساندن به آن‌ها در امر نظارت بر مسئولیت‌هایشان در حیطه فرآیند گزارش‌گیری مالی، نظام کنترل‌های داخلی، فرآیند حسابرسی و فرآیند تطبیق با قوانین و مقررات و ضوابط اخلاقی تشکیل می‌شود و در چارچوب اختیارات، مقررات، خط‌مشی‌ها و حدود وظایف تعیین شده از سوی هیئت مدیره بانک انجام وظیفه می‌کند.

البته در همه ادبیات‌های مربوط به حاکمیت شرکتی بارها گفته شده که ایجاد کمیته‌های تخصصی حسابرسی و ریسک در راستای ارتقای نظام حاکمیت شرکتی به معنی سلب مسئولیت هیئت مدیره از انجام وظایف قانونی خود نیست. اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب در شبکه بانکی می‌تواند مسیر اجرای حاکمیت شرکتی را در سایر بخش‌های اقتصاد هموار سازد. یک برنامه حاکمیت شرکتی مؤثر، یک نوع ابزار قوی ضد فساد و رشوه‌گیری است. شفاف‌سازی و افشای مالی به موقع تأثیر بسزایی بر رشد شبکه بانکی دارد و بر توانایی آن‌ها برای رقابت با بانک‌های بین‌المللی می‌افزاید. تشکیل کمیته‌های حسابرسی و ریسک در شرکت‌های بیمه به همراه تلاش

به‌منظور شفافیت صورت‌های مالی و اطلاعات آماری، تقویت نظارت و استفاده از نظام حسابرسی داخلی، علاوه بر توسعه صنعت بیمه، نقش چشمگیری در هدایت مطلوب این مؤسسات ایفاء خواهند کرد.

بحران بانکی^۱ به وضعیتی گفته می‌شود که تعداد زیادی از بانک‌ها در یک کشور قادر به بازپرداخت دیون و بدهی‌های خود نباشند. ذات حرفه بانکداری به‌علت ویژگی‌های خاص خود همواره مستعد دریافت بی‌ثباتی‌ها و ریسک‌ها و در درجه بالاتر انواع بحران‌هاست. درجه اهرمی بالا و کم بودن سرمایه بانک‌ها در تناسب با حجم ترازنامه‌های آن‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌های تجاری، عدم تناسب زمانی سررسید بین دارایی‌ها و بدهی‌ها، لزوم حفظ اعتماد دایمی سپرده‌گذاران، ابتلا به ریسک‌های متنوع و نبود شفافیت قطعی در صورت‌های مالی به‌دلیل سرعت بالای تغییر در ارقام ترازنامه‌ای در مقایسه با سایر شرکت‌های تجاری از مواردی است که بانک‌ها را به‌عنوان یکی از مراجع بحران‌ها در اقتصاد معرفی کرده است. ایجاد بحران موجب سلب اعتماد عمومی و هجوم سپرده‌گذاران به بانک‌ها برای باز پس گرفتن سپرده‌های خود می‌شود. این موضوع می‌تواند ورشکستگی‌های سریع برای بانک‌ها را به‌همراه داشته باشد.

افزایش شدید اعتبارات و همخوانی نداشتن سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری‌های نامناسب و عدم نظارت و ضعف مقررات، ضعف کنترل‌های داخلی، ریسک عملیاتی بالا، ضعف در مدیریت نقدینگی، سرمایه‌گذاری‌های ضعیف و توجیه نشده، به‌کارگیری ضعیف حسابرسی و سوء مدیریت از جمله عوامل مؤثر در ایجاد بحران هستند.

بحران بانکی موجب از بین رفتن اعتماد به نهادهای مالی، هجوم بانکی^۲ و ورشکستگی ایشان و در نتیجه پامال شدن حقوق کلیه ذی‌نفعان این مؤسسات مانند سهامداران، سپرده‌گذاران، اشخاص طرف قرارداد و حتی جامعه و دولت می‌شود.

فروپاشی شرکت‌های بزرگی مانند "انرون و ورلدکام" در آمریکا در سال‌های اخیر، توجه همگان را به نقش برجسته حاکمیت شرکتی و توجه جدی به اصول مذکور در مورد پیشگیری از وقوع چنین فروپاشی‌هایی جلب کرده است.

حاکمیت شرکتی، قوانین، مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و نظام‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود.

¹ Banking Crisis

² Bank Run

امروزه پیشرفت‌های زیادی در زمینه موضوع حاکمیت شرکتی در سطح جهان صورت گرفته است و کشورهای پیشرو در این راستا به مشارکت‌کنندگان در حاکمیت شرکتی و موضوع‌هایی از قبیل سهامداران و روابط با آن‌ها، مسئولیت پاسخگویی، بهبود عملکرد هیئت مدیره، کمیته‌های هیئت مدیره (مانند کمیته حسابرسی، کمیته ریسک)، حسابرسان و نظام حسابداری و کنترل‌های داخلی، توجه ویژه‌ای معطوف می‌دارند.

رمز موفقیت یک شرکت در گرو هدایت مطلوب آن است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد راز جاودانگی شرکت‌های معروف و خوش‌نام، در برخورداری آن‌ها از یک هیئت مدیره مؤثر و کارا نهفته است. هیئت مدیره شرکت قلب آن محسوب می‌شود. وجود جریان نامحدود و درست اطلاعات در هیئت مدیره، به اندازه جریان آزاد و دایم خون برای تندرستی و سلامت بدن مورد نیاز است.

هیئت مدیره در صورت آشنایی با ریسک‌های ذاتی مربوط به فعالیت‌ها و داشتن درک عمیق از کسب و کار آن، داشتن استقلال، داشتن توازن قوای مطلوب در سطح بدنه خود و عدم تسلط یک شخص خاص، استفاده از اعضای غیرموظف، استفاده از نظام کنترل‌های داخلی مناسب و همچنین حسابرسان (اعم از مستقل و داخلی)، مدیریت ریسک‌های محیطی بانک (اعم از ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک‌های بازار، ریسک حقوقی، ریسک تمرکز و ...)، حمایت از کلیه ذی‌نفعان بانک می‌تواند تا اندازه بسیار زیادی مانع از عملکرد نامطلوب بانک می‌شود و با مدیریت صحیح بر دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری‌ها، نحوه وصول مطالبات، سودآوری و بقا و ادامه فعالیت بانک را تضمین کند. بدیهی است این روند تا اندازه درخور توجهی بانک را از ورود به عرصه بحران و غلطیدن در ورطه توقف و ورشکستگی مصون دارد. سازوکارهای موصوف که در واقع نتیجه اعمال حاکمیت شرکتی مناسب در محیط بانک محسوب می‌شوند نقش کلیدی در هدایت صحیح بانک ایفا می‌کنند.

بدیهی است که بسیاری از موارد اشاره شده درباره اهمیت اعمال سازوکارهای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها در رابطه با سایر مؤسسات واسطه‌گر مالی نیز صدق می‌کند، لیکن با توجه به اهمیت و نقش بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین واسطه‌گران مالی در اقتصاد هر کشور، تمرکز مباحث بر روی این مؤسسات انجام پذیرفته است.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق از دو جهت، هدف کاربردی و روش توصیفی با هم همبستگی دارد. برای مشخص کردن وضعیت بحران یا ورشکستگی از مدل آلتمن استفاده شده است. داده‌های مربوط به سازوکارهای حاکمیت شرکتی از اطلاعات سالانه بانک‌ها و شرکت‌های بیمه جمع‌آوری و با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی که داده‌های سری زمانی و مقطعی را با هم ترکیب می‌کند، اطلاعات موصوف خلاصه و طبقه‌بندی و با استفاده از تحلیل‌های همبستگی مورد آزمون واقع شده‌اند.

۳- فرضیه‌های تحقیق

این پژوهش شامل ۱ فرضیه اصلی و ۵ فرضیه فرعی به شرح زیر است:

فرضیه اصلی تحقیق:

- بین مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی و بروز بحران در بانک‌ها و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی تحقیق:

- بین وجود سهامدار نهادی و بروز بحران در بانک و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری وجود دارد.

- بین درصد مالکیت دولتی و بروز بحران در بانک و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری وجود دارد.

- بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره و بروز بحران در بانک و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری وجود دارد.

- بین وجود کمیته حسابرسی و بروز بحران در بانک و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری وجود دارد.

- بین وجود کمیته ریسک و بروز بحران در بانک و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری وجود دارد.

۴- متغیرهای تحقیق

۴-۱- متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل تحقیق شامل؛ مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی: وجود سهامدار نهادی، درصد مالکیت دولتی، نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره، وجود کمیته حسابرسی و وجود کمیته ریسک است.

۲-۴- متغیرهای وابسته

در این تحقیق نسبت‌های مالی مورد استفاده در مدل آلتمن^۱ (۱۹۶۸) برای تعیین شاخص بحران مالی شامل نسبت‌های مالی زیر به‌عنوان متغیر وابسته معرفی می‌شوند:

- نسبت بازده دارایی‌ها

- نسبت سرمایه در گردش به دارایی

- نسبت سود انباشته به دارایی

- نسبت سرمایه به بدهی

در مدل آلتمن برای تعیین و پیش‌بینی ورشکستگی^۳ شاخص Z ، Z' و Z'' معرفی گردیده که شاخص Z برای شرکت‌های تولیدی، شاخص Z' برای شرکت‌های غیربورس و شاخص Z'' برای شرکت‌های خدماتی معرفی شده است.

شاخص Z'' در این تحقیق با توجه به ماهیت خدماتی بودن فعالیت بانک‌ها و شرکت‌های بیمه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای محاسبه شاخص موصوف ابتدا نسبت‌های مالی محاسبه و سپس به آن‌ها ضریب خاصی داده شده و سپس اعداد حاصل از ضرب حاصل نسبت‌ها در ضرایب مربوطه با هم جمع شده‌اند.

در مدل آلتمن برای شاخص Z'' چنانچه رقم شاخص پایین‌تر از ۱/۱ باشد؛ شرکت دارای وضعیت نامطلوب مالی بوده و در آینده نزدیک دچار ورشکستگی خواهد شد. چنانچه رقم شاخص بالاتر از ۲/۶ باشد؛ نشان‌دهنده احتمال بسیار ناچیز ورشکستگی شرکت در آینده است.

چنانچه رقم شاخص بین اعداد مزبور باشد؛ پیش‌بینی ماهیت نظری و غیرعلمی پیدا می‌کند و احتمال بروز اشتباه بیشتر است.

۳-۴- متغیرهای کنترلی

در این تحقیق سود ویژه و دارایی‌های مؤسسات واسطه‌گر مالی در پایان هر دوره مالی به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند.

^۱ Altman

۵- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

این تحقیق به بررسی رابطه همبستگی بین ابعاد حاکمیت شرکتی و بحران مالی در مؤسسات واسطه‌گر مالی، به خصوص بانک‌ها و شرکت‌های بیمه می‌پردازد. به‌همین دلیل از مدل‌های همبستگی برای آزمون فرضیات استفاده می‌شود.

۶- جامعه آماری و دوره زمانی تحقیق

جامعه آماری شامل ۲۰ شرکت بیمه فعال در صنعت بیمه کشور و ۹ بانک خصوصی پذیرفته شده در شرکت بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی تحقیق مربوط به بررسی اطلاعات مالی شرکت‌های بیمه و بانک‌های مورد بررسی و همچنین وضعیت برخی از مؤلفه‌ها و سازوکارهای حاکمیت شرکتی در این شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ است.

۷- یافته‌ها و نتایج

خلاصه نتایج حاصله از اجرای مدل‌ها و آزمون فرضیه‌ها برای بانک‌های خصوصی و شرکت‌های بیمه در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. خلاصه نتایج حاصله از آزمون فرضیه‌ها و میزان تأثیر متغیرهای کنترل برای کلیه مؤسسات واسطه‌گر مالی

جدول شماره ۱: نتایج حاصله از اجرای مدل و فرضیه‌ها

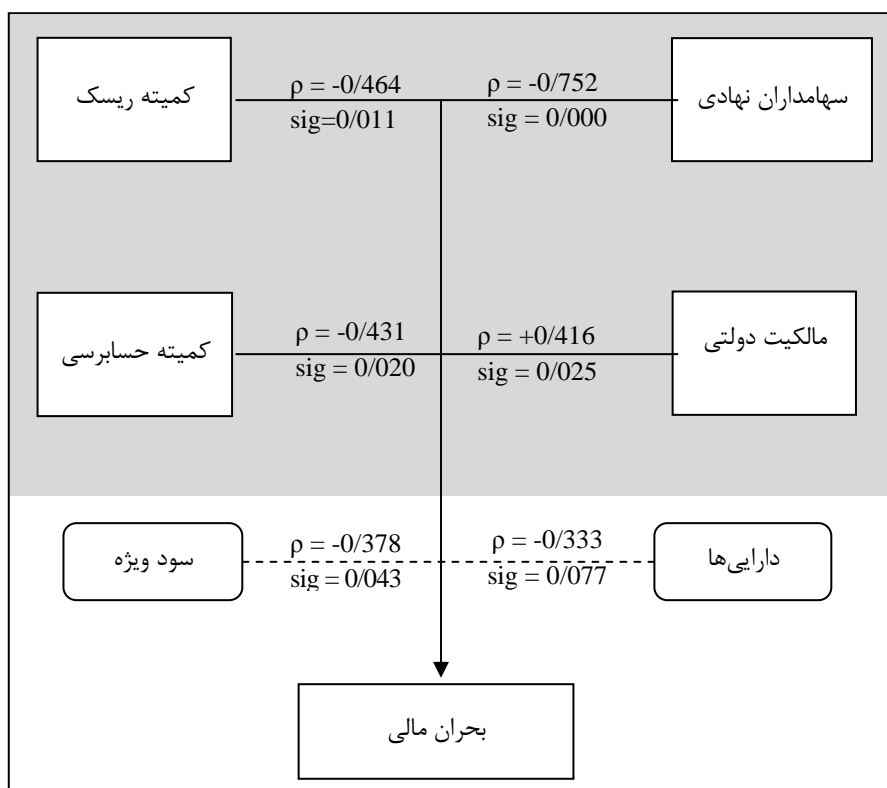
شناسه در خطای α	میزان رابطه (ρ)	نتیجه آزمون فرضیه با توجه به شاخص "z" پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن	فرضیه	تعداد بانک
۰/۰۷۱	-	نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره با بروز بحران در بانک‌ها و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری ندارد.	۱	۵ بانک و ۲۰ شرکت بیمه
۰/۰۱۱	-۰/۴۶۴	کمیته ریسک با بروز بحران در بانک‌ها و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری دارد.	۲	
۰/۰۲۰	-۰/۴۳۱	کمیته حسابرسی با بروز بحران در بانک‌ها و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری دارد.	۳	
۰/۰۰۰	-۰/۷۵۲	وجود سهامدار نهادی با بروز بحران در بانک‌ها و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری دارد.	۴	
۰/۰۲۵	+۰/۴۱۶	مالکیت دولتی با بروز بحران در بانک‌ها و شرکت‌های بیمه ارتباط معناداری دارد.	۵	
۰/۰۴۳	-۰/۳۷۸	سود ویژه بانک و شرکت‌های بیمه بر ارتباط بین متغیرهای مستقل (نسبت هیئت مدیره غیرموظف، کمیته ریسک، کمیته حسابرسی، سهام نهادی و مالکیت دولتی) با بحران مالی تأثیرگذار است.		
۰/۰۷۷	-۰/۳۳۳	دارایی‌های بانک و شرکت‌های بیمه بر ارتباط بین متغیرهای مستقل (نسبت هیئت مدیره غیرموظف، کمیته ریسک، کمیته حسابرسی، سهام نهادی و مالکیت دولتی) با بحران مالی تأثیرگذار است.		

براساس اطلاعات مندرج در این جدول، ارتباط بین مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی و بروز بحران در بانک‌ها درباره فرضیات شماره دوم تا پنجم تأیید و جهت رابطه نیز به استثنای فرضیه پنجم منفی و برعکس است.

رابطه منفی و یا برعکس نشان‌دهنده این است که وقتی مقدار متغیر زیاد می‌شود، مقدار متغیر دیگر کاهش می‌یابد و یا به عبارتی دیگر مقدار بالاتر در یک متغیر با مقادیر پایین‌تر در متغیر دیگر همراه است. در تحلیل‌های همبستگی هم وجود ارتباط و هم جهت آن حائز اهمیت است.

همچنین براساس اطلاعات جدول شماره ۱، ارتباط بین مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی و بروز بحران مالی در بانک‌ها در خصوص فرضیه اول (نسبت تعداد غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضاء) تأیید نشد. با توجه به تحلیل همبستگی، الگوی نهایی به‌صورت نمودار شماره ۱ تغییر پیدا کرده است.

نمودار شماره ۱: الگوی نهایی تحقیق براساس تحلیل همبستگی چند متغیره



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق علل بروز بحران مالی در مؤسسات واسطه‌گر مالی، به‌خصوص بانک‌ها و همچنین نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در پیشگیری از بروز بحران در این مؤسسات مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه بررسی علل بروز بحران مالی و ورشکستگی بانک‌ها و سایر مؤسسات واسطه‌گر مالی در قالب مطالعات کتابخانه‌ای صورت پذیرفته و بررسی رابطه بین مؤلفه‌های

حاکمیت شرکتی در عملکرد شرکت و پیشگیری از بروز بحران مالی در این مؤسسات براساس تحلیل‌های همبستگی انجام شده است، نتایج هر یک به تفکیک در ادامه آمده است.

براساس این مطالعات، ذات حرفه بانکداری و واسطه‌گری مالی به‌علت ویژگی‌های منحصر به فرد خود همواره مستعد دریافت انواع بی‌ثباتی‌ها و بحران‌هاست. درجه اهرمی بالا و کم بودن سرمایه بانک در مقایسه با حجم دارایی‌ها، عدم تناسب بین سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی، نوسان‌های نرخ بهره در بازار، ابتلا به ریسک‌های متنوع و نبود شفافیت قطعی در صورت‌های مالی، به‌دلیل سرعت بالای تغییر در اقلام ترازنامه‌ای، بروز سوءاستفاده‌های مالی، افزایش و رشد اعتبارات و وام‌دهی بی‌قاعده و توسعه سریع اعتبارات در مدت کوتاه، افزایش ریسک نقدینگی و افزایش مطالبات معوق، نبود نظارت کافی از سوی ناظران و ضعف ضوابط و مقررات و یا نادیده گرفته شدن آن‌ها، ضعف نظام کنترل‌های داخلی، ریسک عملیاتی بالا، سرمایه‌گذاری‌های ضعیف و توجیه نشده، به‌کارگیری معیارهای ضعیف حسابرسی و سوء مدیریت، خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی سپرده‌گذاران نسبت به عملکرد بانک‌ها، سرمایه پایین بانک‌ها و نسبت کفایت سرمایه پایین، پرداخت وام‌های ناموفق و بلوکه شدن منابع و ارزیابی نشدن درست وثایق تسهیلات و ... از جمله عوامل مؤثر در بروز بحران مالی و ورشکستگی بانک‌ها براساس این مطالعات بوده‌اند.

همچنین با توجه به مطالعات اکتشافی و مرور ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق، رابطه برخی از مؤلفه‌ها و سازوکارهای حاکمیت شرکتی با بحران مالی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت که این سازوکارها عبارت بودند از نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره، درصد مالکیت دولتی، وجود کمیته ریسک، وجود کمیته حسابرسی، حضور سهامداران نهادی.

براساس یافته‌های تحقیق که براساس تجزیه و تحلیل اطلاعات مأخوذه از بانک‌ها و شرکت‌های بیمه مورد بررسی قرار گرفته و انجام آزمون فرضیه‌ها، نتایج زیر به‌دست آمد:

- بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره با بروز بحران در مؤسسات واسطه‌گر مالی مورد بررسی ارتباط وجود ندارد.
- بین وجود کمیته حسابرسی با بروز بحران در مؤسسات واسطه‌گر مالی مورد بررسی ارتباط معنادار و برعکس وجود دارد.
- بین درصد مالکیت دولتی با بروز بحران در مؤسسات واسطه‌گر مالی مورد بررسی ارتباط معنادار و هم جهت وجود دارد.

- بین وجود سهامداران نهادی با بروز بحران در مؤسسات واسطه‌گر مالی مورد بررسی ارتباط معنادار و برعکس وجود دارد.
 - بین وجود کمیته ریسک با بروز بحران در مؤسسات واسطه‌گر مالی مورد بررسی ارتباط معنادار و برعکس وجود دارد.
 - سود ویژه بانک و شرکت‌های بیمه بر ارتباط بین متغیرهای مستقل (نسبت هیئت مدیره غیرموظف، کمیته ریسک، کمیته حسابرسی، سهام نهادی و مالکیت دولتی) با بحران مالی تأثیرگذار است.
 - دارایی‌های بانک و شرکت‌های بیمه بر ارتباط بین متغیرهای مستقل (نسبت هیئت مدیره غیرموظف، کمیته ریسک، کمیته حسابرسی، سهام نهادی و مالکیت دولتی) با بحران مالی تأثیرگذار است.
- برای ارائه مدل نهایی تحقیق از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. فرمول رگرسیونی در ادامه ارائه شده است.

$$y = -0.353 - 0.114X_1 - 0.261X_2 - 0.946X_3 + 0.398X_4 - 0.405X_5 - 0.252X_6$$

که در این رابطه:

- X1 = کمیته حسابرسی، X2 = کمیته ریسک، X3 = سهامداران نهادی، X4 = مالکیت دولتی،
 - X5 = سود ویژه و سرانجام X6 = دارایی‌هاست.
- با توجه به بررسی‌های انجام شده و نتایج تحقیق رابطه معناداری بین متغیرهای مدل و پیش‌بینی وقوع بحران مالی در مؤسسات واسطه‌گر مالی مورد مطالعه وجود دارد.

پیشنهادها

پیشنهاد به نظام بانکی کشور

پیشگیری از بروز بحران و ورشکستگی بانک‌ها به دلیل جایگاه و نقش ویژه ایشان در اقتصاد هر کشور از اهمیت شایانی برخوردار است. از این رو به منظور بهبود عملکرد بانک‌ها و همچنین پیشگیری از بروز بحران و همچنین نقش پر اهمیت ارتقای سازوکارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی، پیشنهادهای زیر برای کاربردی شدن آن‌ها در نظام بانکی مطرح می‌شود:

اول - تشکیل کمیته‌های ریسک، کمیته حسابرسی، کمیته تطبیق زیر نظر هیئت مدیره و با حضور اعضای غیرموظف هیئت مدیره و هدایت کمیته‌های موصوف به گونه‌ای که ضمن حفظ

استقلال واقعی این کمیته‌ها، شناسایی وضعیت مالی واقعی بانک، ارزیابی ریسک‌های محیطی و اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی در بانک به آسانی از سوی کمیته‌های موصوف امکان‌پذیر شود. در این رابطه بانک مرکزی ج.ا.ا می‌بایست دستورالعمل‌های لازم را به نظام بانکی ابلاغ و عملکرد بانک‌ها در این باره را به‌طور منظم در فواصل شش ماهه مورد ارزیابی قرار دهد.

دوم- استفاده از اعضای غیرموظف هیئت مدیره موجب افزایش سطح استقلال و همچنین ارتقای نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی بانک می‌شود. حضور اعضای غیرموظف در هیئت مدیره و کمیته‌های تخصصی آن و شرکت فعال ایشان در تصمیم‌گیری‌های بانک به شرط آنکه از اطلاعات لازم درباره حقوق، اقتصاد، حسابداری و مدیریت و بانکداری برخوردار باشند، موجب افزایش غنا و همچنین وزن علمی و تجربی هیئت مدیره هر بانک می‌شود. در این رابطه پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی ج.ا.ا به عضویت اعضای غیرموظف در هیئت مدیره بانک‌ها اصرار و تأکید ورزد تا با این رویکرد و حفظ وجه استقلال، از منافع تمامی گروه‌های سودبران حمایت شود.

سوم- نظارت بانک مرکزی ج.ا.ا می‌بایست بر نظام بانکی بیش از پیش تقویت شود تا بانک‌ها رویه‌های یکسانی را در خصوص شناسایی سود، طبقه‌بندی دارایی‌ها و بدهی‌ها و نحوه ذخیره‌گیری آن‌ها انجام دهند. بدین وسیله امکان مقایسه عملکرد بانک‌ها محقق می‌شود. چهارم- با توجه به اینکه افزایش مطالبات معوق و همچنین سرمایه‌گذاری‌های نامناسب و عدم اعتبارسنجی درست از عمده دلایل مربوط به افزایش ریسک‌های نقدینگی و اعتباری و بروز بحران در بانک‌ها براساس مطالعات کتابخانه‌ای بوده‌اند، تاکنون اقدام مؤثری از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا درباره وادار کردن بانک‌ها به استفاده از خدمات مؤسسات رتبه‌سنجی اعتباری و بررسی و نظارت بر عملکرد بخش‌های تسهیلاتی بانک‌ها انجام نپذیرفته است. در این رابطه پیشنهاد می‌شود حداقل در خصوص تسهیلات و تعهدات کلان، استفاده از خدمات مؤسسات رتبه‌سنجی اعتباری برای بانک‌ها الزامی شود.

پنجم- با توجه به نقش سهامداران نهادی در بهبود عملکرد شرکت‌ها و بانک‌ها به دلیل دانش و تخصص و تجربه مدیران این‌گونه از سهامداران، پیشنهاد می‌شود. سهامداران نهادی نقش و مشارکت بیشتری در اداره و کنترل بانک‌ها ایفاء کنند. برای ترغیب این‌گونه سهامداران بسته‌های تشویقی از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا برای بانک‌ها مدنظر قرار گیرد.

ششم- به‌منظور استفاده از سازوکارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا بسته‌های تشویقی به‌منظور ایجاد انگیزه لازم تدوین و برای اجرایی شدن به نظام بانکی کشور ابلاغ کند.

جهت گیری بسته های موصوف می تواند به گونه ای طراحی شود تا بانک هایی که از سازوکارها و مؤلفه های حاکمیت شرکتی استفاده می کنند (نظیر سهامداران نهادی، کمیته حسابرسی، کمیته ریسک، اعضای غیرموظف و رتبه شفافیت در بورس و ...) پس از انجام بررسی های لازم درخصوص عملکرد این کمیته ها از سوی بازرسان بانک مرکزی ج.ا.ا. امتیازهایی نسبت به بانک های دیگر برخوردار شوند.

هفتم- با توجه به تفاوت های مشهود بخش دولتی و خصوصی در نوع دیدگاه نسبت به بررسی عملکرد شرکت ها و بانک ها که نشأت گرفته از تفاوت در شرح وظایف، مسئولیت ها و کارکردها و انتظارات حاکم و به ویژه در هر بخش است، پیشنهاد می شود تا در جهت بهبود عملکرد بانک ها، درصد سهامداری دولتی در بانک های خصوصی شده کاهش یافته تا بانک ها با سهامداران بخش خصوصی و با اهداف افزایش حقوق سهامداران و دیدگاه های هزینه- فایده ای هدایت و راهبری شوند. بدیهی است در صورت اعمال نظارت کافی از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا. و ارائه بسته های تشویقی درخصوص رعایت و تقویت مؤلفه های حاکمیت شرکتی و همچنین تدوین و منظور کردن ضمانت اجرای کاربردی در صورت بروز تخلف در بانک ها، منافع تمامی ذی نفعان اعم از کارکنان، مدیران، سپرده گذاران، سهامداران، دولت، جامعه و رقبا تأمین خواهد شد.

هشتم- بانک مرکزی ج.ا.ا. تمهیدات و مقدمات فعالیت بانک های معتبر خارجی در کشور را به طور عملی با منظور و هدف الگوبرداری از مقررات و رویه ها و استانداردهای نظارتی بانک های مذکور که به طور معمول با بهترین کیفیات ممکنه و در سطح استانداردهای بین المللی ارائه و اجرایی می گردند، فراهم شود.

نهم- بانک مرکزی ج.ا.ا. ضمن تدوین اصول و دستورالعمل های حاکمیت شرکتی، در اسرع وقت اصول موصوف را برای اجرایی شدن به نظام بانکی ابلاغ کند.

دهم- واحدی در ساختار سازمانی بانک ها با عنوان نهاد یا مرکز حاکمیت شرکتی و زیر نظر یکی از اعضای غیرموظف هیئت مدیره تشکیل شود. واحد موصوف می بایست هدایت و نظارت بر عملکرد کمیته های حسابرسی، کمیته تطبیق، کمیته ریسک و کمیته پاداش و دستمزد را برعهده گرفته و گزارش های دوره ای و منظم از عملکرد کمیته های موصوف را در فواصل زمانی تعیین شده به هیئت مدیره بانک جهت آگاهی ایشان ارسال کند.

همچنین اصلح است، جهت امکان برقراری نظارت بهینه و مؤثر برای ناظران خارج از بانک نظیر بانک مرکزی ج.ا.ا. سازمان بازرسی کل کشور و مانند آن بر عملکرد بانک ها، یک نسخه از

گزارش‌های عملکردی واحد موصوف در فواصل زمانی مشخص و ترجیحاً همزمان با زمان ارسال گزارش به هیئت مدیره، به نظر خارج از بانک نیز جهت آگاهی ایشان تحویل شود.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

در ادامه این تحقیق موضوع‌های زیر برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود:

- بررسی چالش‌های حقوقی و اقتصادی ورشکستگی در بانک‌های ایران
- بررسی رابطه بین افزایش ریسک اعتباری با بروز بحران در نظام بانکی
- بررسی رابطه بین ریسک نقدینگی و بروز بحران و ورشکستگی در بانک‌ها
- بررسی رابطه سایر ویژگی‌های هیئت مدیره و بروز بحران در بانک‌ها (تعداد اعضای هیئت مدیره، تعداد جلسات هیئت مدیره، جدایی مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و ...)
- بررسی رابطه بین مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی و بهبود عملکرد بانک‌ها با استفاده از شاخص‌های سودآوری و نسبت‌های مالی
- بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی در پیشگیری از بروز تقلب در بانک‌ها
- بررسی نقش ریسک تمرکز در اعطای تسهیلات با بروز بحران در نظام بانکی
- بررسی رابطه بین استفاده از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی نظیر کمیته ریسک و کمیته حسابرسی با میزان افزایش مطالبات معوق در بانک‌ها
- مطالعه اقدامات انجام گرفته در خصوص ارتقای مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری کشور و مقایسه آن با استانداردهای معرفی شده از سوی کمیته بال
- مطالعه و بررسی اقدامات انجام شده از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا در خصوص ارتقای سطح کنترل‌های داخلی در نظام بانکی کشور و مقایسه تطبیقی آن با صنعت بانکداری در سایر کشورها
- بررسی رابطه بین استفاده از کمیته‌های تخصصی هیئت مدیره و رتبه شفافیت بانک‌ها در بورس اوراق بهادار
- مقایسه وضعیت نحوه اجرایی شدن مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی و خصوصی ایران و آثار آن بر صورت‌های مالی

کتاب‌نامه

الف - فارسی

- اسکینی، ربیعا: *ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- احمدوند، ژیا: *بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۵.
- الهداد، مرتضی (تدوین‌کننده): *مجموعه مقالات بیست و دومین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۰.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی: *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: نشر مدیران، ۱۳۸۷.
- توانایان فرد، حسن: *فرهنگ تشریحی اقتصاد*: تهران: شرکت نشر الکترونیکی جهان رایانه، ۱۳۸۵.
- حساس یگانه، یحیی: *نقش سرمایه‌گذاران نهادی در حاکمیت شرکت‌های سهامی: حسابدار*، سال نوزدهم، شماره ۱۶۴، مهر ۱۳۸۴.
- حساس یگانه، یحیی: *مفاهیم حاکمیت شرکتی: حسابدار*، سال نوزدهم، شماره ۱۶۷، دی ۱۳۸۴.
- حساس یگانه، یحیی: *مبانی نظری حاکمیت شرکتی: حسابدار*، سال بیستم، شماره ۱۶۸، اسفند ۱۳۸۴.
- حساس یگانه، یحیی: *سیستم‌های حاکمیت شرکتی: حسابدار*، سال نوزدهم، شماره ۱۶۹، اسفند ۱۳۸۴.

حساس یگانه، یحیی: **تأثیر حاکمیت شرکتی در گسترش بازار سرمایه برخی از کشورها: حسابدار**، سال بیستم، شماره ۱۷۱، اردیبهشت ۱۳۸۵.

حساس یگانه، یحیی: **نقش شفافیت در اثر بخشی حاکمیت شرکتی: حسابدار**، سال بیست و یکم، شماره ۱۷۹، دی ۱۳۸۵.

حساس یگانه، یحیی: **حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک: حسابدار**، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۸، مهر ۱۳۸۶.

حساس یگانه، یحیی: **حاکمیت شرکتی، حسابرسی و کمیته حسابرسی: حسابدار**، سال بیست و سوم، شماره ۲۰۰، آبان ۱۳۸۷.

دوانی، غلامحسین: **حاکمیت شرکتی: حسابدار**، سال نوزدهم، شماره ۱۶۴، مهر ۱۳۸۴.

رئیزی، زهره: **رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.

رهبری خرازی، مهسا (مترجم): **اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه**، تهران: شرکت اطلاع‌رسانی بورس، ۱۳۸۵.

شجاعیان، مهرداد: **حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک‌ها و بیمه خصوصی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۸۸.

شهریاری، مهدی: **اثر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۶.

صفایی، ناهید: **اثر نظام راهبری شرکت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۷.

عبادی، محمدعلی: **حقوق تجارت**، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۳.

عرفانی، محمود: *حقوق تجارت (جلد چهارم)*، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.

علی مدد، مصطفی: *بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه و تحلیل در حسابرسی*، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی، ۱۳۷۹.

قنبری، فرحناز: *بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت بر عملکرد شرکت‌های سهامی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۶.

مسعودی، علیرضا: *حقوق بانکی*، تهران: انتشارات پیشبرد، ۱۳۸۷.

نوری بروجردی، پیمان: *تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی اساسی*، تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۴.

یزدانی، حسن: *رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۸۷.

یزدانی، نرگس: *تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵.

ب- انگلیسی

Akason, Gestur Orn: *Corporate Governance in Icelandic Banks Compared With Danish Banks: Empirical Basis Law and Corporate Governance background*, MsC Finance & International Business, Department of Business Studies, Aarhus School of Business, 2010.

Arun, T.G and Turner, J.D: *Corporate Governance of Banks in Developing Economies: Concepts and Issues*, School of Management and Economics, Queens University.

Beltralti, Andrea and M.stulz, Rene: ***Why did some Banks Perform Better During the Credit Crisis? Across_ Country Study of the Impact of Governance and Regulation***, National Bureau of Economic Research, Working Paper, 2009.

Grant, Kirkpatrick: ***The Corporate Governance Lessons from the I.Financial Crisis***, Financial Market Trends OECD, pre_ publication version for Vol.2009/1, 2009.

Hachethal, Andreas. H.Schmidt and Tyrell, Marcel: ***Banks And German Corporate Governance: ON the Way to A Capital Market-Based System?*** Working Paper, ISSN 1434-3401, 2005.

Imola, Driga: ***Bankruptcy_the Consequence of Defective Bank Management***, 1994.

Nam, Sang- woo and Chong, ***Corporate Governance in Asia***, Recent Evidence from Indonesia, Republic of Korea, Malaysia, and Thailand, Asian Development Bank Institute, 2004.

Polo, Andrea: ***Corporate Governance of Banks: the Current State of the Debate***, "Available at: 2007.

[Http://mpra. Ub. Uni-muenchen.de/2325/MPRA Paper No.2325.](http://mpra.ub.uni-muenchen.de/2325/MPRA_Paper_No.2325)

Reumers, Math: ***Corporate Governance Practices and Bankruptcy Risk of Banks***, School Of Business and Economics, Universities Maastricht, 2011.

Rajkamal, Lyer and Manju, Puri: ***Who Runs? The Importance of Relationships in Bank Runs***, Department of Finance, University of Amsterdam, 2007.